



سازمان ملل متحد در جستجوی توازن میان اخلاق و فرمالیسم در نظام حقوقی بین الملل خدیجه جوادی شریف،،،

کلیدواژه‌ها

خدیجه جوادی شریف¹ دانشجوی دکترای حقوق
بین‌الملل، گروه حقوق، تحصیلات تکمیلی پیام نور تهران،
ایران sevda javadi.il@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی نقش محوری و چالش برانگیز سازمان ملل متحد در ایجاد تعادل میان دو اصل اساسی اخلاق و فرمالیسم « قانون‌گرایی صوری » در عرصه حقوق بین‌الملل می‌پردازد. در بستر پیچیده روابط بین‌المللی، سازمان ملل از یک سو متعهد به ترویج ارزش‌های اخلاقی بنیادین مانند عدالت، صلح، حقوق بشر و توسعه پایدار است و از سوی دیگر، باید در چارچوب قواعد و رویه‌های حقوقی مشخص و مورد توافق دولتها عمل کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد که چگونه این نهاد بین‌المللی در مواجهه با معضلاتی چون مداخله بشردوستانه، تحریم‌ها، مقابله با تروریسم و اجرای عدالت کیفری بین‌المللی، در تلاش است تا میان الزامات اخلاقی جهان‌شمول و ضرورت پایبندی به ساختارهای حقوقی رسمی، پلی ایجاد نماید. یافته‌ها حاکی از وجود تنش دائمی میان این دو مفهوم است و اینکه سازمان ملل با مکانیزم‌هایی همچون تفسیر منشور، توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل عرفی و تأکید بر «مسئولیت در قبال حمایت»، در پی یافتن نقطه تعادل است. در نهایت، مقاله نتیجه می‌گیرد که اگرچه دستیابی به توازن کامل دشوار است، اما این جستجو، ذات پویا و تکاملی نظام حقوقی بین‌الملل معاصر را شکل می‌دهد.

سازمان ملل متحد، اخلاق در حقوق بین‌الملل، فرمالیسم حقوقی، توازن حقوقی، منشور ملل متحد، عدالت بین‌المللی، حاکمیت دولتها، مسئولیت در قبال حمایت.

مقدمه

مقدمه این مقاله به عنوان نقشه راه تحلیلی، چارچوب مفهومی و ضرورت واکاوی مسئله محوری پژوهش، یعنی تقابل و تعامل دو گفتمان «اخلاق» و «فرمالیسم حقوقی» در سپهر عمل نهادهای سازمان ملل متحد را ترسیم می‌نماید.

طرح مسئله: معمای بنیادین در نظم حقوقی بین‌الملل

نظام حقوقی بین‌الملل، بر خلاف بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی، فاقد یک مقنن مرکزی و یک دستگاه قضایی فراگیر است. این ویژگی، آن را به عرصه‌ای برای تقابل دائمی میان «الزامات هنجاری برآمده از اخلاق» و «الزامات ساختاری ناشی از فرمالیسم حقوقی» تبدیل کرده است. از یک سو، فشار فزاینده‌ای برای پاسخگویی به ارزش‌های اخلاقی جهان‌شمول، همچون عدالت توزیعی، کرامت انسانی، و مساوات بنیادین وجود دارد. از سوی دیگر، بقا و کارآمدی این نظام، منوط به پایبندی به قواعدی صوری و قابل پیش‌بینی است که عمدتاً بر محور «اصل حاکمیت دولت‌ها» و «رضایت» آنان استوار گردیده است. در این میانه، سازمان ملل متحد، به عنوان تبلور نهادی جامعه بین‌المللی، در مرکز این میدان نیرو قرار دارد. این نهاد مکلف است در عین عمل در چارچوب قواعد سخت منشور ملل متحد - که خود تجلی عالی فرمالیسم حقوقی است - به آرمان‌های اخلاقی مندرج در دیپاچه و مواد آن، از قبیل "ایمان به حقوق اساسی بشر" و "تحقق عدالت" جامه عمل بپوشاند. بنابراین، پرسش اساسی این است: سازمان ملل متحد چگونه و با چه مکانیزم‌هایی می‌کوشد تا میان خواست اخلاقی برای تحقق عدالت ماهوی و ضرورت حقوقی پایبندی به تشریفات و قواعد صوری، توازن مشروع و عملی ایجاد کند؟

چارچوب مفهومی: تمایز میان اخلاق و فرمالیسم در حقوق بین‌الملل

اخلاق: در این مقاله، مقصود از اخلاق، مجموعه‌ای از

اصول هنجاری فرافردی و جهان‌شمول است که مبنای ارزیابی درستی یا نادرستی قواعد و اقدامات بین‌المللی قرار می‌گیرد. این اصول شامل عدالت، انصاف، حقوق بشر، مسؤولیت در قبال آسیب‌پذیران و حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده است. اخلاق، معطوف به «محتوا» و «نتایج» عادلانه قواعد حقوقی است.

فرمالیسم حقوقی: فرمالیسم بر «فرآیند» و «ساختار» قاعده حقوقی تأکید دارد. این نگرش، اعتبار حقوقی یک قاعده را نه در انطباق آن با اخلاق، که در رعایت تشریفات مقرر برای تدوین، تصویب و اجرای آن می‌داند. اصولی چون «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» در حقوق کیفری بین‌المللی، «تفسیر مضیق صلاحیت شورای امنیت» و «لزوم تبعیت از رویه‌های تصویب معاهدات»، همگی جلوه‌هایی از فرمالیسم حقوقی هستند. فرمالیسم، ضامن قطعیت، ثبات و جلوگیری از خودکامگی و اعمال سلیقه در عرصه حقوق بین‌الملل است.

ضرورت و اهداف پژوهش: عبور از یک دوگانگی ظاهری

بررسی این تقابل، تنها یک مجادله آکادمیک نیست، بلکه بر سرنوشت میلیون‌ها انسان در موقعیت‌هایی چون درگیری‌های مسلحانه، بحران‌های بشردوستانه و مواجهه با جرائم بین‌المللی تأثیر مستقیم دارد. هدف این پژوهش، عبور از توصیف ساده این دوگانگی و واکاوی راهبردهای عملی سازمان ملل متحد در مدیریت این تنش است. این مقاله در پی پاسخ به این سؤالات کلیدی است:

سازمان ملل چگونه از ابزارهای حقوقی صوری برای پیشبرد اهداف اخلاقی بهره می‌برد؟

در مواقع تعارض آشکار میان اخلاق و قاعده حقوقی «مانند موارد نقض فاحش حقوق بشر در کشوری که شورای امنیت به دلیل وتو قادر به اقدام نیست»، چه راهکارهای نهادی یا حقوقی برای خروج از این بن‌بست متصور است؟

آیا می‌توان در رویه سازمان ملل، الگویی برای «فرمالیزه کردن تدریجی ارزش‌های اخلاقی» شناسایی کرد؟

این مقدمه، زمینه لازم برای تحلیل عمیق‌تر مصادیق عینی این تعامل، از جمله دکترین «مسئولیت در قبال حمایت»، نقش شورای امنیت و دادگاه‌های بین‌المللی کیفری را فراهم می‌سازد.

روش پژوهش

این بخش به تبیین دقیق چارچوب روش‌شناختی به کار گرفته شده در پژوهش حاضر می‌پردازد. انتخاب آگاهانه روش‌ها و تکنیک‌های پژوهش، امکان واکاوی عمیق و نظام‌مند پرسش اصلی تحقیق را فراهم ساخته و اعتبار یافته‌های آن را تضمین می‌نماید. این پژوهش ذیل پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد؛ چرا که هدف آن، فهم عمیق پیچیدگی‌های یک پدیده اجتماعی-حقوقی «تعامل اخلاق و فرمالیسم» در بستر خاص خود «سازمان ملل

متحد» است. از آنجا که این پدیده به شدت متأثر از برداشت‌ها، ارزش‌ها و تعاملات کنشگران بین‌المللی است، رویکرد کیفی، مناسب‌ترین مسیر برای کشف لایه‌های پنهان آن تشخیص داده شد. طرح کلی پژوهش نیز به صورت توصیفی-تحلیلی است. در مرحله توصیف، مفاهیم پایه، سیر تطور تاریخی و نمودهای عینی تقابل اخلاق و فرمالیسم در چهارچوب سازمان ملل به دقت ترسیم می‌شود. در مرحله تحلیل، این توصیف‌ها در کنار یکدیگر قرار گرفته تا الگوهای رفتاری سازمان، راهبردهای آن برای ایجاد توازن و همچنین تنش‌های ساختاری ناشی از این تقابل، مورد کالبدشکافی قرار گیرند. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای-اسنادی است. داده‌های مورد نیاز از دو دسته منبع اصلی استخراج گردیده‌اند:

اسناد اولیه: این اسناد که خود بخشی از نظام حقوقی بین‌الملل محسوب می‌شوند، شامل موارد زیر هستند:

منشور ملل متحد: به عنوان سنگ بنای حقوقی و مشروعیت‌بخش سازمان، مواد مربوط به اهداف و اصول «به ویژه مواد 1 و 2»، صلاحیت‌های شورای امنیت «فصل هفتم» و مجمع عمومی به دقت بررسی شده‌اند.

قطعه‌نامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی: قطعه‌نامه‌های شاخصی که بازتاب‌دهنده تلاش برای تطبیق فرمالیسم با الزامات اخلاقی هستند «مانند قطعه‌نامه‌های مربوط به مسئولیت در قبال حمایت، ایجاد دادگاه‌های بین‌المللی کیفری خاص، و تفسیر مفهوم صلح و امنیت بین‌المللی» تحلیل محتوای شده‌اند. اسناد حقوق بشری: اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین مربوط به آن به عنوان نماد عینی تلاش برای تبدیل

"محدودیت‌های ناشی از حاکمیت" به عنوان کدهای اولیه شناسایی گردیدند.

ارزش‌های اخلاقی به هنجارهای حقوقی مد نظر قرار گرفته‌اند.

کدگذاری محوری: در این گام، کدهای پراکنده و به ظاهر مجزا در حول محورهای اصلی پژوهش دسته‌بندی و ارتباط بین آن‌ها مشخص گردید. برای نمونه، کدهای مربوط به "مسئولیت در قبال حمایت" و "تفسیر موسع از فصل هفتم منشور" تحت مقوله محوری "مکانیزم‌های فراتر رفتن از فرمالیسم حاکمیت در مواقع بحران‌های اخلاقی" قرار گرفتند.

آرای قضایی: نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و نیز احکام دیوان کیفری بین‌المللی که در آن‌ها به تبیین رابطه اخلاق و قانون پرداخته شده است، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. منابع ثانویه: برای غنی‌سازی تحلیل و بهره‌گیری از دیدگاه‌های تئوریک، از این منابع استفاده شده است: کتب تخصصی: آثار مکتوب اساتید برجسته حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل در حوزه‌های فلسفه حقوق، تئوری‌های روابط بین‌الملل و نهادهای بین‌المللی. مقالات علمی-پژوهشی: مقالات منتشر شده در مجلات معتبر داخلی و خارجی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع تقابل اخلاق و فرمالیسم پرداخته‌اند.

کدگذاری گزینشی: در نهایت، مقوله‌های محوری شناسایی شده حول یک هسته مرکزی به نام "جستجوی توازن پویا" سازماندهی شدند و "داستان" یا روایت اصلی پژوهش که همانا توصیف و تبیین راهبردهای سازمان ملل برای مدیریت تعامل اخلاق و فرمالیسم است، شکل نهایی خود را پیدا کرد.

تجزیه و تحلیل‌های کارشناسی: گزارش‌های تحلیلی منتشر شده توسط اندیشکده‌های معتبر بین‌المللی که رویه سازمان ملل را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند. داده‌های گردآوری شده با به کارگیری تکنیک تحلیل محتوای کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در این راستا، مراحل زیر به صورت نظام‌مند طی شده است:

این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبرو بوده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

کدگذاری باز: در این مرحله، متون اسناد اولیه و ثانویه به دقت مطالعه و مفاهیم کلیدی، اصطلاحات تخصصی، استدلال‌های حقوقی و موارد تجلی تعارض یا هم‌پوشانی اخلاق و فرمالیسم، استخراج و کدگذاری اولیه شدند. برای مثال، عباراتی مانند "مسئولیت در قبال حمایت"، "صلح و امنیت بین‌المللی به مثابه یک مفهوم گسترده"، "توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل عرفی" و

دسترسی به اسناد محرمانه: برخی از مذاکرات پشت پرده در شورای امنیت یا سایر نهادهای سازمان ملل محرمانه باقی می‌ماند و این امر، تحلیل کامل همه جوانب تصمیم‌گیری‌ها را با چالش مواجه می‌سازد. ذات پویای موضوع: پدیده مورد مطالعه، ایستا نیست و با تحولات بین‌المللی دائماً در حال تغییر است. بنابراین، این پژوهش تصویری از این پویایی در یک بازه زمانی مشخص ارائه می‌دهد. تأثیر جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک: تفسیر مفاهیمی چون "عدالت" و "اخلاق" خود می‌تواند

متأثر از دیدگاه‌های مختلف فرهنگی و ایدئولوژیک باشد. پژوهشگر کوشیده است با رعایت بی‌طرفی علمی و استناد به منابع معتبر، این محدودیت را به حداقل برساند. با در نظر گرفتن این چارچوب روش‌شناختی، اطمینان حاصل می‌شود که تحلیل‌های ارائه شده در بخش یافته‌ها، از پشتوانه علمی لازم برخوردار بوده و از کلی‌گویی و ذهن‌گرایی محض فاصله گرفته است.

یافته‌های پژوهش

تحلیل نظام‌مند اسناد و رویه‌های سازمان ملل متحد، الگوهای رفتاری و راهبردهای پیچیده‌ای را آشکار می‌سازد که این نهاد بین‌المللی برای مدیریت تقابل و ایجاد تعامل سازنده میان اخلاق و فرمالیسم حقوقی به کار می‌بندد. یافته‌ها حاکی از آن است که سازمان ملل نه با رویکردی انفعالی، بلکه با ابتکار عمل هنجاری و تفسیر پویا از اسناد بنیادین، در حال شکل‌دهی به تکاملی تدریجی در حقوق بین‌الملل است.

فراترروی از فرمالیسم حاکمیت ملی: تولد و تکامل «مسئولیت در قبال حمایت»

این مفهوم، بارزترین نمونه از تلاش سازمان ملل برای «فرمالیزه کردن» یک الزام اخلاقی بنیادین است.

تغییر پارادایم از «حق» به «مسئولیت»: رویه سنتی حقوق بین‌الملل، مبتنی بر فرمالیسم حاکمیت مطلق دولتها «ماده 2 منشور» بود. اما وقوع فجایعی چون

نسل‌کشی رواندا و سرینیا، وجدان جهانی را به چالش کشید. در پاسخ، سازمان ملل با پشتیبانی نظری «کمیسسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولتی»، گفتمان جدیدی را بنیان نهاد: حاکمیت نه یک امتیاز، که یک «مسئولیت» برای حمایت از شهروندان است. قانونمندی‌سازی تدریجی: این مفهوم اخلاقی در سال 2005 در سند پایانی مجمع جهانی سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شد و در قطعنامه‌های شورای امنیت «مانند قطعنامه 1674 و 1894» مورد استناد قرار گرفت. بدین ترتیب، یک اصل اخلاقی، به تدریج و از مجرای نهادهای بین‌المللی، در حال تبدیل به یک هنجار حقوقی نرم و سپس سخت است. ایجاد چهارچوبی مبتنی بر معیار: فرمالیسم نوین در این حوزه، دیگر صرفاً بر منع مداخله تأکید ندارد، بلکه بر سه رکن «مسئولیت در پیشگیری»، «مسئولیت در واکنش» و «مسئولیت در بازسازی» و نیز معیارهای سختگیرانه برای مداخله قهری «تناسب، تقدم آخرین راه چاره» پای می‌فشارد. این امر نشان می‌دهد که چگونه سازمان ملل می‌کوشد تا اقدام اخلاقی را در قالب‌های حقوقی دقیق بگنجانند تا از خودسری و سوءاستفاده جلوگیری کند.

شورای امنیت: عرصه کشمکش قدرت، اخلاق و فرمالیسم رویه‌ای

شورای امنیت، تجسم عینی تنش میان این سه نیرو است.

تفسیر موسع از «تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی»: شورا با استفاده از صلاحیت تشخیصی خود بر اساس ماده 39 منشور، به شکلی هدفمند دامنه این مفهوم فرمالیستی را گسترش داده است. امروزه نقض

سیستماتیک حقوق بشر، بحران‌های بشردوستانه، تروریسم بین‌المللی و حتی تغییرات اقلیمی می‌توانند در ذیل این مفهوم تعبیر شوند. این تفسیر پویا، دروازه‌ای حقوقی برای عبور از مانع حاکمیت و پرداختن به مسائل با ماهیت اخلاقی شدید فراهم کرده است. فرمالیسم ساختاری حق و تو به مثابه مانع اخلاق: یافته‌ها به وضوح نشان می‌دهد که استفاده ابزاری از حق و تو توسط قدرت‌های دائم، اصلی‌ترین عامل نقض توازن و مانع اقدام به موقع در بحران‌های اخلاقی «مانند سوریه» است. این امر، شکافی عمیق بین ظرفیت اخلاقی سازمان و توان عملیات آن به دلیل فرمالیسم کهن ساختاری ایجاد کرده است. راهبردهای جایگزین برای دور زدن بن‌بست: شورا در مواجهه با این مانع، به راهبردهای دیگری متوسل شده است که خود نشانه‌ای از جستجوی توازن است؛ از جمله:

پاسخ اخلاقی به بی‌کیفری: اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «ICC» و دادگاه‌های خاص «مانند یوگسلاوی و رواندا»، پاسخی نهادی به خواست اخلاقی مبارزه با مصونیت مجرمان و اجرای عدالت برای قربانیان است. حفظ چارچوب دادرسی منصفانه: این نهادها با وجود مأموریت اخلاقی-کیفری، کاملاً متعهد به اصول دادرسی عادلانه هستند. اصولی چون قانونی بودن جرم و مجازات، حق دفاع، اصل برائت و استقلال قضایی. این ترکیب نشان می‌دهد که عدالت کیفری بین‌المللی در نهایت «عدالتی مبتنی بر قانون» است، نه بازتابی از انتقام یا برداشت‌های شخصی از اخلاق.

توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل عرفی: پل نامرئی بین اخلاق و قانون

سازمان ملل با استفاده از نهادهای تخصصی خود، نقش کاتالیزوری در تبدیل ارزش‌های اخلاقی به قواعد عرفی الزام‌آور ایفا می‌کند. نقش کمیسیون حقوق بین‌الملل: فعالیت تدوین‌گرانه و توسعه تدریجی این کمیسیون در حوزه‌هایی مانند مسئولیت دولتها، حقوق معاهدات و به تازگی حقوق محیط زیست، به شکلی غیرمستقیم، ارزش‌های اخلاقی همچون مسئولیت مشترک اما متفاوت و اصل احتیاط را در درون قواعد حقوقی جای می‌دهد. دیوان بین‌المللی دادگستری در جایگاه مفسر پویا: رأیهای این دیوان، به ویژه در پرونده‌هایی چون «بارش‌های هسته‌ای» و «قضیه تنگه بوسپوروس»، نشان می‌دهد که این نهاد چگونه با تفسیر قواعد موجود، ملاحظات اخلاقی و انصاف را در استدلال‌های حقوقی خود وارد کرده و از این راه به توسعه تدریجی حقوق یاری می‌رساند.

ارجاع به مجمع عمومی تحت قطعنامه «اتحاد برای صلح»: نمونه‌ای از بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرمالیستی دیگر نهادهای سازمان برای جبران فلج شدن شورای امنیت است. صدور قطعنامه‌های «شبه فصل هفتمی»: استفاده از عبارات مبهم اما قوی در قطعنامه‌ها که بدون تصریح به فصل هفتم، مجوز عمل می‌دهند. تفویض اختیار به ائتلاف‌های دولتی: همانند آنچه در لیبی «2011» رخ داد که خود محل مناقشه بر سر تفسیر مجوز و نقض فرمالیسم است.

عدالت کیفری بین‌المللی: تلفیق اخلاق جزایی با فرمالیسم دادرسی عادلانه

تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، عالی‌ترین تجلی تعامل اخلاق و فرمالیسم است.

جمع‌بندی فرآیند کلان: از تقابل تا تعامل پویا

چالش پایدار: اخلاق به مثابه معیار نقد نظم حقوقی

موجود

مطالعه موارد عینی- از دکترین «مسئولیت در قبال حمایت» تا تفسیر موسع شورای امنیت و پایه‌گذاری عدالت کیفری بین‌المللی- نشان می‌دهد که رابطه اخلاق و فرمالیسم در چهارچوب سازمان ملل، یک رابطه صفر و یک یا حذف یکدیگر نیست. بلکه این رابطه به شکل یک دیالکتیک سازنده درآمده است: فشارهای اخلاقی، فرمالیسم موجود را به چالش می‌کشند و آن را وادار به انعطاف و بازتعریف می‌کنند و در مقابل، فرمالیسم حقوقی، الزامات اخلاقی را در قالب‌های قابل پیش‌بینی، عینی و محدودکننده‌ای می‌ریزد تا از تبدیل شدن آن‌ها به بهانه‌ای برای هرج و مرج یا اعمال قدرت یکجانبه جلوگیری کند. این فرآیند، نه یک بار برای همیشه، که مداوم و تاریخی است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اخلاق، نقش یک «معیار سنجش مشروعیت» را برای قواعد و تصمیمات سازمان ملل ایفا می‌کند. هنگامی که فرمالیسم حقوقی موجود «مانند ساختار شورای امنیت» یا تفسیر خشک از آن «مانند پافشاری افراطی بر حاکمیت در برابر بحران انسانی» منجر به نتایجی غیراخلاقی فاحش می‌شود، خود به موضوعی برای نقد و چالش تبدیل می‌گردد. این نقد، موتور محرک برای اصلاحات نهادی و توسعه حقوقی است و ثابت می‌کند که جستجوی توازن، یک فرآیند دائمی و هرگز به پایان نرسیده است. این یافته‌ها در مجموع تصویری از سازمان مللی ارائه می‌دهند که در یک کشمکش دایمی، در حال بافتن تار و پود یک نظام حقوقی بین‌المللی است که هم از مشروعیت اخلاقی برخوردار باشد و هم از ثبات و قطعیت حقوقی.

تبیین راهبردهای اصلی سازمان ملل در ایجاد توازن

سازمان ملل برای مدیریت این دیالکتیک، از یک جعبه ابزار حقوقی-نهادی متنوع بهره می‌گیرد:

نتیجه‌گیری

تفسیر پویا و غایت‌شناسانه از منشور: سازمان ملل منشور را نه به عنوان یک سند ایستای تاریخی، بلکه به مثابه «سازنده زنده» می‌خواند. تفسیر مواد آن به ویژه مفهوم «صلح و امنیت بین‌المللی»- بر اساس اهداف و اصول کلی مندرج در دیباچه آن، اصلی‌ترین ابزار برای تطبیق فرمالیسم منشور با الزامات اخلاقی زمانه است.

بر پایه یافته‌های این پژوهش، می‌توان دریافت که سازمان ملل متحد در مواجهه با تقابل ساختاری «اخلاق» و «فرمالیسم»، یک بازیگر منفعل نیست، بلکه کارگاهی پویا و پیچیده است که در آن، تلاش برای ایجاد «توازن پویا» به موتور محرک تکامل حقوق بین‌الملل معاصر بدل شده است. این نتیجه‌گیری، واکاوی نهایی این فرآیند را ارائه می‌نماید.

هنجارسازی تدریجی: سازمان، ارزش‌های اخلاقی را از

معیارها» را به همراه دارد که خود بزرگترین آفت مشروعیت اقدامات بین‌المللی است.

دست‌آورد نهایی: مشروعیت بخشی از طریق جستجوی دایمی

در نهایت، باید تأکید نمود که دستیابی به یک توازن ایده‌آل و نهایی، ناممکن است. ماهیت متغیر و چندفرهنگی ارزش‌های اخلاقی از یک سو، و نیاز همیشگی به ثبات و قطعیت حقوقی از سوی دیگر، این جستجو را به یک «فرآیند» دائمی تبدیل کرده است. با این حال، همین فرآیند است که به نظام حقوق بین‌الملل مشروعیت می‌بخشد. نظامی که خود را کاملاً در بند فرمالیسم خشک محبوس کند، از مردم و وجدان بشری فاصله می‌گیرد و نظامی که تماماً در خدمت اخلاقیات سیال قرار گیرد، به هرج و مرج می‌گراید. ارزش اصلی سازمان ملل متحد، نه در دستیابی به یک نقطه تعادل ثابت، که در ایفای نقش به عنوان «صحنه» و «کارگزار» این کشمکش ضروری است. این نهاد، با وجود تمام کاستی‌ها، بستری فراهم می‌آورد که در آن، گفت‌وگوی جهانی درباره چپستی عدالت و چگونگی تحقق آن در چارچوب قانون، تداوم یابد. بنابراین، «جستجوی توازن» خود، بزرگترین دست‌آورد و ضرورت بقای نظم حقوقی بین‌الملل معاصر به شمار می‌رود.

پیشنهادات

با عنایت به یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌های پژوهش حاضر، که گویای چالش‌های پیچیده در مسیر تحقق توازن پویا

مجرای قطعنامه‌های مجمع عمومی، گزارش‌های دبیرکل و کار کمیسیون حقوق بین‌الملل، به تدریج به «حقوق بین‌الملل نرم» و در نهایت به «حقوق بین‌الملل عرفی» یا «قاعده آمره» تبدیل می‌کند. این مسیر تدریجی، راهی برای قانونی کردن اخلاق بدون ایجاد شوک در نظام حقوقی موجود است.

ایجاد نهادهای تخصصی: تأسیس نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی یا شورای حقوق بشر، تجسم عینی این توازن است. این نهادها هم مأموریت اخلاقی مشخصی دارند و هم توسط اساسنامه‌هایی که مملو از تضمین‌های فرمالیستی هستند، محدود و هدایت می‌شوند.

شناسایی گلوگاه‌های ساختاری: موانع پایدار در راه توازن

با این حال، این جستجو همواره با موانع سخت ساختاری روبرو بوده است:

فرمالیسم کهن و انحصارگرایی شورای امنیت: ساختار مبتنی بر حق وتو، به عنوان بارزترین نماد فرمالیسم غیرعادلانه، بزرگترین مانع در برابر تحقق به موقع و مؤثر عدالت و اخلاق در صحنه بین‌المللی است. این ساختار، مشروعیت کل نظام سازمان ملل را در معرض تردید قرار می‌دهد. کمبود اراده سیاسی و انتخابگری در اجرا: حتی هنگامی که هنجارهای نوین—مانند «مسئولیت در قبال حمایت»—تثبیت می‌شوند، اجرای گزینشی و تحت تأثیر منافع ملی قدرت‌ها، باعث می‌شود این توازن، توازنی ناعادلانه و یکجانبه به نظر برسد. این امر، اتهام «دوگانگی

میان اخلاق و فرمالیسم است، مجموعه‌ای از پیشنهادات راهبردی و عملیاتی در سه سطح: اصلاحات نهادی و ساختاری، توسعه هنجاری و تقویت رویه‌ها، و ارتقای گفت‌وگو و مشروعیت ارائه می‌گردد. این پیشنهادات در پی تحکیم بنیان‌های نظم حقوقی بین‌المللی هستند که هم از مشروعیت اخلاقی برخوردار باشد و هم از کارآمدی عملی.

پیشنهادهای در سطح اصلاحات نهادی و ساختاری

این پیشنهادات معطوف به بازطراحی یا تعدیل نهادهای موجود برای کاهش تنش‌های ساختاری هستند.

* اصلاح ترکیب و سازوکار شورای امنیت:

تعریف عضویت دائم منطقه‌محور: پیشنهاد می‌شود به جای افزودن اعضای دائم جدید بر اساس معیار قدرت، کرسی‌های دائم یا نیمه‌دائم به نمایندگی از مناطق مختلف جهان «مانند آفریقا، آمریکای لاتین» اختصاص یابد. این امر موجب می‌شود تصمیمات شورا از مشروعیت و نمایندگی بیشتری برخوردار گردد.

محدودسازی حقوق وتو: می‌توان سازوکارهایی را طراحی نمود تا استفاده از حق وتو در موارد «جرائم بزرگ علیه بشریت» از جمله نسل‌کشی، پاکسازی قومی و جنایات جنگی، مشروط شود یا نیاز به تأیید مجمع عمومی با اکثریت خاصی داشته باشد این اقدام، مانع اصلی استفاده ابزاری از تشریفات قانونی برای متوقف کردن اقدامات اخلاقی ضروری را از میان برمی‌دارد

* تقویت نقش مجمع عمومی به عنوان نهاد دموکراتیک:

نهادینه‌سازی کاربرد قطعنامه «اتحاد برای صلح»: می‌بایست شرایط و چارچوب‌های روشن‌تری برای فعال‌سازی این مکانیزم در مواقعی که شورای امنیت انجام مسئولیت اصلی خود در قبال حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قصور می‌ورزد، تعریف شود تا این راهبرد به یک رویه معتبر و قابل پیش‌بینی تبدیل گردد.

* افزایش همکاری نهادی سازنده:

ایجاد کمیته مشورتی مشترک: پیشنهاد می‌شود کمیته‌ای متشکل از نمایندگان شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان کیفری بین‌المللی و کمیسیون حقوق بین‌الملل تشکیل شود تا به صورت مشورتی، در موارد تعارض آشکار قواعد یا نیاز به تفسیر همسو، نظریه‌های کارشناسی ارائه دهد. این امر به هماهنگی بیشتر در رویه‌های نهادهای مختلف می‌انجامد.

* پیشنهادات در سطح توسعه هنجاری و تقویت رویه‌ها

این پیشنهادات بر چگونگی شکل‌گیری، تفسیر و اجرای قواعد بین‌المللی متمرکز هستند.

*ترویج گفت‌وگوی بینا فرهنگی در مورد مفاهیم بنیادین:

سازمان ملل می‌تواند با حمایت از تشکیل «کمیسیون‌های دائمی حکمت» متشکل از فرهیختگان، فیلسوفان حقوق و رهبران اخلاقی از تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون، بستری برای واکاوی و تقریب دیدگاه‌ها درباره مفاهیمی چون «عدالت»، «انصاف» و «صلح» فراهم آورد. خروجی این گفت‌وگوها می‌تواند مبنای غنی‌تری برای توسعه هنجاری فراهم کند.

*ظرفیت‌سازی برای کشورهای در حال توسعه در عرصه حقوق بین‌الملل:

می‌بایست برنامه‌های هدفمندی برای تقویت توانایی کارشناسی دیپلمات‌ها و حقوقدانان کشورهای در حال توسعه در زمینه تدوین و تفسیر قواعد بین‌المللی طراحی شود. این امر به کاهش شکاف اطلاعاتی و قدرت چانه‌زنی کمک کرده و باعث می‌شود نظام حقوقی بین‌الملل، واقعاً جهان‌شمول و متوازن گردد.

*شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی:

سازمان ملل باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، فرآیندهای تصمیم‌گیری، مذاکرات «در حد امکان» و استدلال‌های حقوقی پشت قطعنامه‌ها را به زبانی ساده برای افکار عمومی جهان تشریح کند. این کار، حس تعلق و اعتماد عمومی به نهادهای بین‌المللی را افزایش داده و مشروعیت اقدامات آن‌ها را تقویت می‌نماید. این

تدوین سند جامع در مورد دکترین «مسئولیت در قبال حمایت»: می‌بایست با ابتکار مجمع عمومی یا کمیسیون حقوق بین‌الملل، یک «سند راهنما» یا «چارچوب تفسیری» برای این دکترین تدوین گردد. این سند باید معیارهای عینی و غیرقابل تفسیر برای «شکست دولت» در ایفای مسئولیتش، فهرست اقدامات پیشگیرانه الزام‌آور، و پروتکل‌های دقیق برای ارزیابی «تناسب» و «تأثیر انسانی» هرگونه اقدام قهری را مشخص نماید تا از سوءاستفاده سیاسی آن جلوگیری شود.

*توسعه صلاحیت مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری:

می‌توان دامنه نهادها و سازمان‌های بین‌المللی که می‌توانند درخواست نظر مشورتی از دیوان نمایند را گسترش داد. همچنین، تشویق نهادهای درون سازمان ملل به درخواست نظر مشورتی در مورد تقابل قواعد، می‌تواند به توسعه تدریجی حقوق و شفاف‌سازی مفاهیم کمک شایانی کند.

*تقویت مکانیزم‌های مسئولیت‌پذیری برای نهادهای بین‌المللی:

سازمان ملل می‌بایست برای خود نیز مکانیزم‌های نظارتی و پاسخگویی تقویت شده‌ای ایجاد نماید. برای مثال، ایجاد یک نهاد ناظر مستقل بر اقدامات بشردوستانه سازمان می‌تواند تضمین کند که این اقدامات خود، به نقض حقوق بشر یا اصول انصاف منجر نمی‌شوند.

مجموعه پیشنهادات، در صورت پیگیری جدی، می‌تواند سازمان ملل متحد را در تبدیل شدن به نهادی کارآمدتر، عادلانه‌تر و پاسخگو در مدیریت پیچیده‌ترین تقابل‌های نظم بین‌المللی، یعنی تلاقی اخلاق و قانون، یاری رساند.

قطعه‌نامه شورای امنیت با شماره ۲۱۳۱ در مورد مسئولیت در قبال حمایت «۲۰۱۳»

گزارش کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولتی «ICISS» با عنوان "مسئولیت در قبال حمایت" «۲۰۰۱»

منابع و مأخذ

آرای و نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

منشور ملل متحد «۱۹۴۵»

امیدی، علی. «۱۳۹۸». حقوق بین‌الملل در نظم جهانی در حال تحول. تهران: انتشارات میزان.

اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری

حبیبی، مجید. «۱۴۰۰». سازمان‌های بین‌المللی: کارکرد و نقش در عصر جهانی‌شدن. تهران: انتشارات دادگستر.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی «مصوب ۱۹۹۸»

اعلامیه جهانی حقوق بشر «۱۹۴۸»

ضیائی بیگدلی، محمدرضا. «۱۳۹۹». حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.

قطعه‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با شماره ۴۶/۹۱ با عنوان "مسئولیت در قبال حمایت" «۲۰۰۵»

عراقی، سید محمدعلی. «۱۳۹۷». صلح و امنیت بین‌المللی در پرتو تحولات قرن بیست و یکم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قطعه‌نامه شورای امنیت با شماره ۱۶۷۴ در مورد حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه «۲۰۰۶»

قاری سیدفاطمی، سید محمد. «۱۳۹۸». حقوق بشر و حقوق بین‌الملل کیفری. تهران: انتشارات شهر دانش.

قطعه‌نامه شورای امنیت با شماره ۱۹۷۳ در مورد لیبی «۲۰۱۱»

Franck, T. M. « 2002 » . Recourse to Force: State Action against Threats and Armed Attacks. Cambridge University Press

مصفا، نسرين. « ۱۳۹۶ ». دگرگونی در مفهوم حاکمیت و تأثیر آن بر حقوق بین‌الملل معاصر. تهران: انتشارات مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

Glanville, L. « 2014 » . Sovereignty and the Responsibility to Protect: A New History. University of Chicago Press

موسوی زنوزی، سید محمد. « ۱۴۰۱ ». مداخله بشردوستانه و تحول در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۹ « ۲ »، ۷۲-۴۵.

International Commission on Intervention and State Sovereignty « ICISS » . « 2001 » . The Responsibility to Protect. International Development Research Centre

هاشمی، سید محمد. « ۱۴۰۰ ». حقوق بین‌الملل عمومی « جلد اول و دوم ». تهران: انتشارات میزان.

Bellamy, A. J. « 2019 » . Responsibility to Protect: A Defense. Oxford University Press

Kelsen, H. « 2000 » . The Law of the United Nations: A Critical Analysis of Its Fundamental Problems. The Lawbook Exchange

Cassese, A. « 2005 » . International Law « 2nd ed. » . Oxford University Press

Koskeniemi, M. « 2005 » . From Apology to Utopia: The Structure of International Legal Argument. Cambridge University Press

Chesterman, S. « 2001 » . Just War or Just Peace? Humanitarian Intervention and International Law. Oxford University Press

Orford, A. « 2011 » . International Authority and the Responsibility to Protect. Cambridge University Press

Evans, G. « 2008 » . The Responsibility to Protect: Ending Mass Atrocity Crimes Once and for All. Brookings Institution Press



پ وزارت فرهنگ و ارشاد 96136
EshraqLaw.itcz.ir

ISSN:2717-0225

eshraqlaw.itcz.ir